



پرتقال اکنون کشوری کوچک است اما زمانی امپراتوری قدرتمندی بود که با انگلستان و اسپانیا به رقابت برمی‌خاست. "واسکو دوگاما"ی پرتغالی نخستین کسی بود که از راه دریا در سال ۱۴۹۸ از اروپا به خاور دور سفر کرد. برزیل که موقعیت کنونی آن در آمریکای جنوبی هم چون ایالات متحده در آمریکای شمالی است، زمانی مستعمره پرتقال بوده است.

بنا بر این قابل درک است که ملتی با چنین تاریخی، سعی کرده باشد گذشته پر عظمت خود را در جای جای ادبیاتش انعکاس دهد. گریگوری راباسا، پژوهشگر ادبیات پرتقال (و مترجم "الهای که در شب سرد می‌خرامند")<sup>۱</sup> حماسه عظیم ملی پرتقال را "لوسیاد" می‌داند. "لوسیاد" منظومه‌ای است که لویس دو کاموئس در قرن شانزدهم درباره‌ی سفرهای واسکو دوگاما سروده است. لوسیاد آمیزه‌ای است از شعر، تاریخ و اسطوره‌پردازی ملّی، که می‌کوشد گوشه‌ای از تاریخ پرتقال را به تصویر بکشد. ماریو دو کاروالو نیز در "الهای که در شب سرد می‌خرامند" از لوسیاد الهام گرفته است.

### گرایش به ادبیات فرانسه

راباسا می‌گوید: "در این حماسه، واسکو دوگاما در دربار یکی از حکام آفریقا حضور می‌یابد و در جواب سوال‌هایی که درباره پرتقال از او پرسیده می‌شود تاریخ کامل این ملت را بازگو می‌کند. بازگو کردن تاریخ، از همان زمان همواره محور اصلی ادبیات داستانی پرتقال را تشکیل داده است. ما پرتغالی‌ها به این "ساوداده"<sup>۲</sup> می‌گوییم که ترجمه کردن آن مشکل است؛ یعنی چیزی مثل "به عقب نگرستن یا نوستالژی".

### درخشش قرن نوزدهم

روند شکل‌گیری ادبیات نو در پرتقال بسیار تدریجی بوده است. پرتقال کسانی مثل سروانتس را نداشته است. پس از کاموئس که لوسیاد را سرود، ادبیات پرتقال عرصه داستان‌های عامیانه روستایی شد و تا قرن نوزدهم هیچ اثر مهمی به چشم نمی‌خورد. در دهه اول قرن نوزدهم بازتاب ادبیات عظیم اروپا به پرتقال هم رسید و رئالیسم و رمانتیسیسم جای پای برای خود در ادبیات این کشور باز کردند آلفاندیره هر کولانو "یوریکوی کشیش"<sup>۳</sup> را نوشت که داستان آن سه عصر گوتیک در پرتقال مربوط می‌شود. کامیلوکاستلوبیرانکو جریان رمانتیسیسم را در این کشور به راه انداخت. در نیمه دوم قرن نوزدهم ستاره

ادبیات پرتقال، اچادو کوئیروز بود که "پسر عمو بایلیو"<sup>۴</sup> و "خانه مجل رامیرس"<sup>۵</sup> را نوشت؛ که به شهرت جهانی رسیدند.

راباسا می‌گوید: "بد نیست بدانیم که ادبیات پرتقال و برزیل از زمان استعمار برزیل پا به پای هم پیش رفته‌اند". نویسندگان این دو کشور هر کدام راه خود را رفته‌اند؛ راهی غیر از راه کشورهای اسپانیایی زبان آمریکای لاتین. ادبیات برزیل و پرتقال بیش‌تر به سمت ادبیات فرانسه گرایش داشته است.

راباسا ادامه می‌دهد: "پس از کوئیروز به فرناندوپیسوا شاعر بزرگ پرتقال می‌رسیم که در ۱۸۸۸ به دنیا آمد و در ۱۹۳۵ بدرود حیات گفت، اگر او بیش‌تر زنده می‌ماند ممکن بود برنده نوبل هم بشود. اما ادبیات داستانی قرن بیستم تا هنگام سقوط دیکتاتوری سالازار نتوانست کاملاً شکوفا شود. از آن پس بود که ادبیات پرتقال هم به عرصه‌های جهانی راه یافت. از حوزه ساراماگو، نویسنده‌ای که به سبک رئالیسم جادویی می‌نویسد، پنج کتاب به انگلیسی ترجمه شده که بیج بار او را نامزد دریافت نوبل کردند. آنتونیولویویو آنتونس نویسنده‌ای دیگری در سبک رئالیسم است که سه کتاب از او به انگلیسی ترجمه شده؛ مهم‌ترین این سه کتاب، "جنوب ناکجا آباد"<sup>۶</sup> است که درباره جنگ داخلی آنگولا نوشته شده است. خسوزه کاردوسو پیرس با داستان‌های روانشناسانه‌اش، هم‌چون "رقص سنگ در ساحل"<sup>۷</sup> به شهرت جهانی رسیده است. گذشته از این نویسندگان موفق، نویسندگان دیگری هم در پرتقال هستند که در سبک‌های مدرن می‌نویسند اما هنوز کتابی از آن‌ها به انگلیسی ترجمه نشده و شاید هرگز هم نشود. مثل ژواو دو ملو که کتاب "دنیا من به این پادشاهی تعلق ندارد"<sup>۸</sup> او در سبک رئالیسم جادویی و درباره‌ی جزایر آزور نوشته شده است. هم‌چنین مساریو دو کاروالو برنده جایزه پگاسوس، از نویسندگان منحصر به فرد پرتقال است.

### پی‌نوشت‌ها

- 1- A God Strolling in the Cool of the Evening
- 2- Saudade
- 3- Eurico the Priest
- 4- Cousin Basilio
- 5- the Illustrious House of Ramires
- 6- South of Nowhere
- 7- Ballad of Dog Beach
- 8- My world is not of this Kingdom